

شرفش بی بینی ازین معنی است **شعر**

شرفش بی بینی ازین معنی است  
 شرفش بی بینی ازین معنی است  
 علی سیرا الی فاضل نیرت دهر  
 اوله اوله اوله اوله اوله اوله  
 و با شکر فیت اهل الفضل  
 و چون کوه نامش بزرگ تر از انست که هر محل از نظر صدف  
 ان تواند بود و هر مقام از شرفش شرف ان تواند یافت  
 تخلف اشعارش با آنچه ازین معنی دیگر مفهوم می کردن  
 نامزد گشته **معنی نوبتیه** کنز نامش در تخلصها نیا بد هیچ کس  
 بر لب یابنده کان از وی نوابی دان بس اگر چه و بر لب  
 قوت طبیعت و سمع قابلیت برد و نوع شعر ترکی و فارسی  
 میسر است اما سبیل طبع وی بتوکی از فارسی بیشتر و غزلیت  
 وی بان زبان ده هزار زیادت خواهد بود و مشنویان که  
 اوله اوله اوله اوله اوله اوله

در مقابلت

در مقابلت نظای و قوع یافتی بسی هزار نزدیک و همانا که  
 بان زبان بیش از وی ده از وی بیش از وی کیست و کجاست  
 و کوه نظر نسبتاً و از جمله اشعار فارسی و است این  
 قصیده که در جواب قصیده خسرو دهلوی که است  
 بدریای ابرار واقع شده و مشتمل بر بسیاری از معانی  
 در بیای اوله اوله اوله اوله اوله اوله  
 در بیای اوله اوله اوله اوله اوله اوله  
 آتشین لعلی که نایج خسرو افران نور است  
 اصراری بهر خیال خام بخن در سر است  
 و این رباعی را در تهنیت قدوم بعضی آینه کان از سفر حج  
 در رقعته نبشته بود  
 بعضی ازین دو کلام خن بر تکرار خرام  
 بعضی ازین دو کلام خن بر تکرار خرام

**رباعیه**